



#### ققسه

تازه‌های نشر از خاطرات «عزیز خانوم»

تا «اینجا بالای تل، تکفیری‌های رقصند»

## دفاع مقدس از کاشان تا حلب

چهارده مقاومت در سرزمینی که همواره آماج نگاه سوء دشمنان و متجاوزان بوده و حالا دورانی سخت و حساس را پشت سر می‌گذارد، بیش از همه مرهون جانفشانی مادرانی است در هشت سال دفاع مقدس، شیوه جدید و نادیده‌ای از زیستن را به مردمان این سرزمین آموختند. چه این که از جان خویشان گذشتن بسیار آسان‌تر از چندین سال با غم از دست دادن عزیزان سپری کردن است. با این همه، هنوز این نحو زیستن مادران شهدای دفاع مقدس، به درستی به قلم نیامده است تا در معرض توجه خوانندگان مشتاق قرار گیرد. حالا کتاب «عزیز خانوم» را روایتی از زندگی مادر چهار شهید دفاع مقدس، کبری حسین‌زاده حلاج، مادر شهیدان محسن، جواد، علی اصغر و محمدرضا بارفروش به قلم فاطمه جعفری توسط انتشارات راه یار به بازار آمده است.

به گزارش تسنیم، «عزیز خانوم» داستان یکی از زنان انقلابی کاشان است. زنی که مانند مردان و دوشادوش آنان در جنگ‌ها شرکت کردند و برای پیروزی و موفقیت ایران حاضر شدند از همه چیزشان بگذرند. فاطمه جعفری سراغ «عزیز خانوم» رفته است. زنی که چهار پسر او، محسن، جواد، علی اصغر و محمدرضا بارفروش در راه وطن شهید شدند و او در این کتاب از زندگی خود و سرنوشتی می‌گوید که برای او افتخار مادر چهار شهید بودن را فراهم کرد. در پشت جلد این کتاب می‌خوانیم: «وقتی برای آخرین بار صورتش را بوسیدیم، جای بخیه روی پیشانی‌اش من را به سال‌های بچگی‌اش برد. همان روز که از خدا خواسته بودم از این به بعد هر بلایی قرار است سر بچه‌هایم بیاید، برای خودم بفرستد. بچه‌هایم هیچ آزاری نبینند. حالا من بالای سر جنازه پسرم نشسته بودم و صدای محزون جواد در گوشم بود که روضه علی اکبر(ع) می‌خواند. بچه‌ها امانت خدا بودند دست ما، حالا هم امانتش را پس گرفت. نوش جان خدا.»

هشت سال جنگ تحمیلی با نیروهای بعثی، تمام شد اما مزدوران شیطان بزرگ هنوز نگذاشته‌اند منطقه ما، روی خوش امنیت و آرامش را ببینند. تامین امنیت منطقه هزینه زیادی را به کشورهای حوزه جنوب غرب آسیا بار کرد اما حضور ایران و مدافعان حرم، رنگ و بویی متفاوت داشت. صدای دفاع مقدس از پشت این هم‌واردی با شیطان بزرگ شنیده شد و رزم‌آوران نشان دادند که دفاع هنوز تمام نشده است. حالا کتاب «اینجا بالای تل، تکفیری‌های رقصند» زندگینامه شهید مدافع حرم سیداحسان میرسیار به قلم شیرین زارع‌پور به‌تازگی توسط نشر ۲۷ بعثت منتشر شده تا توجه مخاطبان راه‌یاب این جنبه جلب کند.

شهید احسان میرسیار از پاسداران سپاه بود که پس از ورود به سپاه و دیدن آموزش‌های مختلف نظامی، به‌عنوان یکی از نیروهای مدافع حرم لشکر ۲۷ محمد رسول... (ص) به سوریه اعزام و بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴ به شهادت رسید. تا دو ماه تصور می‌شد این شهید به اسارت نیروهای داعش درآمده اما پس از این مدت مشخص شد شهید و مفقودالاثر است. میرسیار هنگام شهادت همراه با چند رزمنده دیگر ایرانی، سوری و افغانستانی بود و پیکرش پس از دو سال پیدا و به ایران منتقل شد.

در بخشی از این‌کتاب می‌خوانیم: «چنگیزی، مهماتم تموم شد! کاری نمی‌تونم بکنم! محاصره‌ایم! ده و ده دقیقه دوباره تماس گرفت. - سید، سید، احسان... پشت بی‌سیم یک‌نفر عربی فحش می‌داد. چنگیزی فکر کرد اشتباه گرفته‌اند. بی‌سیم را داد به یکی از سوری‌ها. - بین محمود طبق چی می‌گه؟ بی‌سیم را گرفت. دید یک‌نفر از آن طرف بی‌سیم، شروع کرده به فحش دادن. - عداو! عداو! عداو... چنگیزی باورش نمی‌شد بی‌سیم افتاده دست مسلحین. یعنی تل سقوط کرده. حمیدرضا و اسماعیلی، بچه‌ها را برده بودند عقب. اسماعیلی پیشنهاد داد برگردند و منطقه را ناامن کنند تا محاصره‌تل بشکند. ۲۳ به سمت احمد اسماعیلی شلیک می‌کرد. سقف ساختمان‌ها فرو می‌ریخت. احمد اسماعیلی و یاسر زخمی شدند. محمدرضا با دوربین قناسه هنوز نظارگر تل بود. از هر طرف ده‌نفر بالا می‌آمدند. با مسوؤل قرارگاه تماس گرفت. لحظه‌ای بعد، یک هواپیمای روسی برای بمباران بالای تل آمد. اما دیر شده بود. همه روی تل آسمانی شده‌اند. هرکدام گوشه‌ای افتاده‌اند. تکفیری‌ها تل را گرفته‌اند. به پیکرها رحم نمی‌کنند. رحم نمی‌کنند که به رگبار می‌بندند...»



### عفیفانه نویسی زنانه را در دنیا رواج دهیم

معصومه رامهرمزی، نویسنده کتاب «یکشنبه آخر» در مراسم رونمایی از کتاب «نعمت‌جان» گفت: درباره انقلاب و جنگ کتاب‌های خوب زنانه‌ای داریم و باید این‌گونه عفیفانه‌نوشتن را در دنیا ترویج کنیم. به گزارش مهر، این کتاب شامل خاطرات صغری بستاک، از پرستاران دفاع مقدس است.



### کنسرواتوار تهران «مولود کعبه» را منتشر کرد

کنسرواتوار تهران به مناسبت سالروز میلاد مبارک امام علی (ع) اثری با عنوان «مولود کعبه» را با ارکسترآسیون علی اکبر رجب‌زاده، خوانندگی بهزاد معافی و شعری از محمدعلی دلجویی تولید و منتشر کرد. به گزارش فارس، بهزاد معافی گفت: من این اثر را به خاطر ارادت و عشقی بی‌مانند که به مولایم دارم خواندم و خوشحالم که در روز ولادت مولا این اثر ناقابل را به محضر ایشان و رهبر معظم انقلاب تقدیم می‌کنم.

لشکر فاطمیون از گروه‌هایی است که به‌طور مجزا تولیداتی برای آنها ساخته شده. گوشه‌ای از این تولیدات را در ادامه بررسی می‌کنیم

نگاهی به تولیداتی که با موضوع شهدای لشکر فاطمیون عرضه شده‌اند

# این الفاطمیون؟

فاطمیون مجموعه‌ای از نیروهای فعال شیعه و مبارز افغانستانی است که برای دفاع از حرم قهرمان کربلا، حضرت زینب کبری (س) و حضرت رقیه (س) در مقابل تروریست‌های داعش در سوریه تشکیل شد. فاطمیون در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی با استعداد یک گروهان اعلام موجودیت کرد، بعد تبدیل به تیپ مستقل شد و اکنون به نام لشکر شناخته می‌شود. با ادامه یافتن جنگ در سوریه، تعداد نیروهای این لشکر به بیش از ۲۰ هزار نفر رسید. در میان همه شهدای مدافع حرم شاید باید شهدای افغانستانی لشکر فاطمیون و شهدای پاکستانی لشکر زینیبیون را از مظلوم‌ترین آنها دانست؛ شهدایی که علاوه بر تحمل رنج دوری از خانه و خانواده به واسطه حمله‌های انبوه تبلیغاتی، همیشه در مظلومیت بیشتری به‌سر می‌بردند. نام مقدس «فاطمیون» برای این گروه به این دلیل انتخاب شد که شکل‌گیری این یگان نظامی در ایام شهادت حضرت زهرا(س) بود و از آنجایی که آن حضرت در دفاع از ولایت، صدمات زیادی را به جان خرید و در غربت شهید شد، آنان نیز فدایی ولایت بوده و غریبانه وارد این عرصه شدند.

لشکر فاطمیون که بسیاری آنها را در میدان نبرد با داعش به انجام سخت‌ترین ماموریت‌های می‌شناختند، خاطرات گفته و ناگفته بسیاری دارند؛ خاطراتی که هرکدام ارزش نگارش یک کتاب جداگانه را دارد. از همین رو آثار هنری بسیاری درباره شهیدان فاطمیون تولید شده است. در ادامه نگاهی کوتاهی به این تولیدات خواهیم داشت.

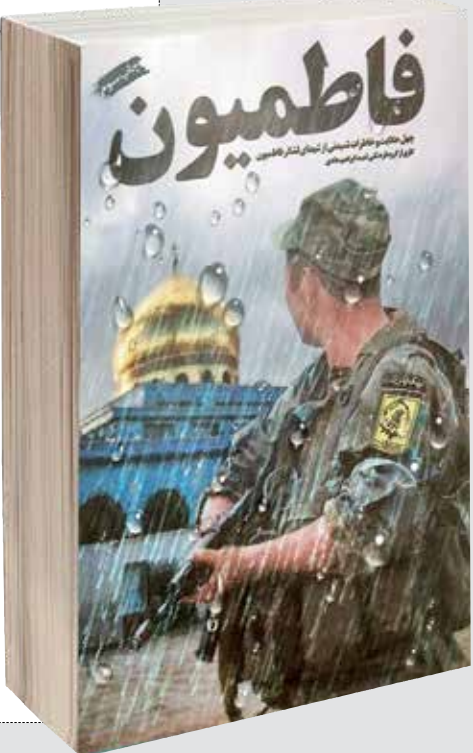
### فاطمیون؛ خواندنی و جذاب

فاطمیون، مجموعه‌ای از ۴۰ حکایت و خاطره شنیدنی از شهدای لشکر فاطمیون است که از زبان آنها و پیش از شهادت یا از زبان خانواده آنها گردآوری شده و به همراه تصاویری از این شهدا همراه شده است. این کتاب که توسط انتشارات شهید ابراهیم هادی منتشر شده همچون اغلب کتاب‌های منتشر شده توسط این انتشارات در ارتباط با شهدا، مبتنی بر الگوی روان و ساده‌نویسی است. حکایت‌های موجود در این کتاب در نهایت سادگی و به دور از پیچیدگی‌های زبانی مرسوم در برخی از آثار ادبی مشابه روایت می‌شود.

اما آنچه این ۴۰ حکایت را خواندنی و دلنشین می‌کند جذابیت موجود در اصل روایت‌ها و رفتارهای مخلصانه این رزمندگان عزیز و مظلوم است. در بخشی از این کتاب در ارتباط با نگاه و تفکرات پدر شهید محمدحسین خدایناه، یکی از شهدای مدافع حرم فاطمیون می‌خوانیم: «هرچند حضور فرزندش در تیپ فاطمیون در کنار دیگر مدافعان افغانی حرم برای او وجه تمایز بود اما وجه دیگری هم داشت، این که محمدحسین تک فرزند بود و خواهر و برادری نداشت و البته تنها ۲۱ سال از خدا عمر گرفته بود.»

پدر شهید خدایناه به عبارتی همه‌چیزش را در راه خدا داده بود؛ همه زندگی‌ش را. با این حال چندین بار شنیده بودم که می‌خواست خودش هم به سوریه برود اما اجازه ندادند. ایشان مصاحبه را این‌گونه آغاز کرد: «ما کوچک‌تر از آن هستیم که بخواهیم از شهدا حرف بزنیم. شهدای فاطمیون شهدای دفاع از اعتقادات بوده و هستند و ایمان، هیچ مرزو محدودیتی نمی‌پذیرد. تمام کسانی که می‌گویند پول می‌دهند تا این فرزندان برای نبرد به سوریه اعزام شوند، به من بگویند که آدمی همچون من که تنها فرزندم و تنها پسرم را در این راه دادم چگونه می‌شود که یک مرد بعد از ۵۰ و چند سال همه محصول زندگی خود را که تک‌فرزندش است برای مادیات بدهد؟!»

یکی دیگر از نکات جالب توجه در ارتباط با کتاب فاطمیون آن است که پیش از روایت هرکدام از خاطرات رزمندگان، بخش‌هایی از زندگینامه حضرت فاطمه زهرا(س) نقل شده است که درواقع این اثر را تبدیل به دو کتاب کرده است، یکی مجموعه خاطراتی از شهدا و دیگری که روایتگر زندگانی و روایات حضرت زهرا(س) است.



### درباره ابوعلی

مرتضی عطایی (ابوعلی) از شاخص‌ترین شهیدان لشکر فاطمیون است. درباره ابوعلی آثار زیادی نداریم اما بدون شک کتاب «ابوعلی کجاست؟» یکی از بهترین تولیدات در همین تعداد محدود است. کتاب «ابوعلی کجاست؟» حاصل ۱۰ ساعت گفت‌وگو با ابوعلی است. این مصاحبه‌ها در مرداد ۹۵ در شهر مشهد ضبط شد تا در کتاب خاطرات شهید مصطفی صدرزاده استفاده شود، اما با شهادت او فرصتی برای چاپ خاطرات ابوعلی پیش آمد.

سوال «ابوعلی کجاست؟» در زمان جنگ توسط سه دسته پرسیده می‌شد و امروز نیز توسط این دسته‌ها پرسیده می‌شود. نویسنده در معرفی این سه دسته می‌گوید: دسته اول داعشی‌ها و فتنه‌گران تکفیری بودند که در عملیات بصرالحریر، عکس شاخص فاطمیون دست‌شان بود و دربه در دنبال ابوعلی می‌گشتند. آنها مدام با ترس از اسرا می‌پرسیدند ابوعلی کجاست؟ دسته دوم به دلیرستانگانه به مذاکره و لیخند دشمن‌اند که از رزم ابوعلی و امثال او متعجب‌اند و درحال تمسخر. به اینها باشد، کل توان دفاعی کشور را تعطیل می‌کنند و ابوعلی‌ها را تنها می‌گذارند. دسته سوم با افسوس و آرزو می‌گویند: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» و افسوس می‌خورند و آرزو می‌کنند که مانند ابوعلی، روزی خور آستان الهی شوند و جاودانه بمانند.

#### بخشی از کتاب ابوعلی کجاست؟

در عملیات بصر الحریر دشمن ۹ نفر اسیر گرفت که ۵ نفر از آنها را به شهادت رساند و ۴ نفر دیگر در ماه رمضان سال ۹۵ با اسرای مسلحین معاوضه شدند؛ یکی از این اسرا حیدر محمدی بود. مسلحین موقع اسارت‌تش عکس شاخص فاطمیون را به او نشان داده و گفته بودند: «ابوعلی کجاست؟» می‌گفت: «ابوعلی دیگر به منطقه نرو، اگر رفتی اسیر نشو که برایت نقشه‌ها دارند!»

### حرم

هرک‌های مسکونی در قتیطره سوریه، جهاد...دادی از فرماندهان سپاه به همراه پنج نفر تلویزیون رژیم صهیونیستی اعتراف کرد که مزب... نداشت‌اند که مقصود از آن فرد مورد

هفتادی که بارها و بارها گفته بود الگویش هنوز هم پیش چشمان بسیاری از عاشقان

تلویزیون پخش شد و تا هنوز با شهادت هر یانی خواند و موسسه‌های اوج و حقیقت نیز هته صد تا مرد برمی‌خیزن از خونش / یکی میره

ست»